

مقدمه

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری را از حیث تکامل علوم و ظهور علمای بزرگ می توان مهمترین دوره در جهان اسلام و خصوصاً سرزمین ایران را سنت و به همین جهت بعضی از صاحب نظران و مورخان و معاصر این دوره را، عصر رنسانس اسلامی نامیده اند و از آنجائیکه تقریباً از اوایل این قرن (قرن چهارم) تا نیمه اول قرن پنجم، سلسله آل بویه در ایران حکمفرمایی می کرده اند می توان این تحول علمی - فرهنگی را به این سلسله نسبت داد.

هر چند حکومت آل بویه زیر نظر خلفای عباسی، قرار داشتند اما خلیفه عملاً در این دوران قدرتی نداشت^۱ و می توان گفت که حکمرانان آل بویه تقریباً مستقل عمل می کرده اند.

نکته قابل توضیح دیگر این است که هر چند در قرن چهارم این تحول علمی و فرهنگی در سراسر دنیای اسلام صورت گرفت، اما به جرأت می توان گفت که سهم ایرانیان، خصوصاً دولت آل بویه در این حرکت علمی - فرهنگی، سهم چشمگیری داشتند و لذا بر آن شدم تا این دوره پرشکوه یا به اصطلاح رنسانس اسلامی را، در ایران قرن چهارم و پنجم بررسی کنم و این حق شرعی و قانونی هر ملتی است که سهم ملت خویش را در گسترش فرهنگ و تمدن جهانی بررسی کند و جای هیچگونه انکار و تردید نیست که

۱- رسول جعفریان. تاریخ تشیع در ایران. ج (۱)، نشر انصاریان، بی جا، ۱۳۵۷، ص ۳۵۹ به نقل از: تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء ص ۱۵۲

ایرانیان بیش از هر ملت دیگر به نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی آن کمک کرده اند.

در رشته های علوم و فنون اسلامی بقدری ایرانیان کار کرده اند که ادوارد براون می گوید:

اگر از علومی که عموماً به اسم عرب معروف است اعم از تفسیر و حدیث و الهیات و فلسفه و طب سخت و تراجم احوال و حق صرف و نحو زبان عربی، آنچه را که ایرانیان در این مباحث نوشته اند مجزی کنید. بهترین قسمت آن علوم از میان می رود.^۱
همین امر موجب شده که در این مجموعه یکی از درخشانترین دوره های فرهنگی

و تمدنی این سرزمین و علل این درخشش به تصویر کشیده شود.

آنچه در این مقاله گرد آمده عبارتست از: شناساندن برخی از نمادهای درخشش علمی - فرهنگی در این دوران و سپس علل گسترش و پیشرفت با بهای مختلف علم و فرهنگ در این عصر.

۱- زین الدین قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. بی جا، بی تا، به نقل از تاریخ ادبیات. ج (۱) ذبیح الله صفا، ص ۳۰۳ به نقل از خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۲۴

پیشگفتار

اولین باری که بطور اتفاقی در دست یکی از دوستانم کتاب جوئل کومر (احیای فرهنگی در عهد آل بویه) را دیدم و مطالعه کردم مطالب آن بسیار برایم جالب بود وقتی عظمت علمی این دوره را مشاهده کردم نوعی احساس غرور به من دست داد که پیشینیان ما در آن عصر چنین سرآمد ممالک دیگر بوده اند و همچنین متأسف شدم از اینکه چرا از آن همه شکوه علمی امروز چندان خبری در کشور ما نیست و این سؤال برای من مطرح شد که واقعاً چرا و به چه دلیل اهتمام به علم و فرهنگ در آن زمان آنچنان رونق داشته و آیا می توان آن عوامل را در جامعه فعلی پیاده کرد.

لذا بر آن شدم تا پاسخ گویی به این سؤال را به عنوان موضوع تحقیق درس تاریخ تمدن اسلام انتخاب کنم و مشغول به مطالعه کتب تاریخی برای یافتن مطالبی در این زمینه شدم. اما به دلیل آنکه در این زمینه قبلاً بسیار کم کار شده است. دریافتن کتب منبع دچار مشکل شدم اما به هر حال با جستجوی فراوان در کتابخانه های مجلس شورای اسلامی مرکز اطلاعات و اسناد - کتابخانه های عمومی و کتابخانه شخصی یکی از اساتید تاریخ اسلامی، توانستم جواب سؤال خودم را از لابلاي کتب مختلف استخراج کنم در این مجموعه قبل از آنکه دلایل این رنسانس علمی اسلامی را ذکر کنم، شمه ای از زمینه های مختلف علمی را ذکر کرده ام تا دلیلی بر ادعای خود یعنی تحول علمی عصر آل بویه داشته باشم.

طرح مسئله:

دوره حکومت آل بویه در اکثر مربوط به تاریخ تمدن قرن چهارم هجری، عصر تحول فرهنگی - علمی اسلامی نامیده شده است. اگر بخواهیم دلیل این تحول را حکومت قدرتمند آل بویه بدانیم این سؤال مطرح می شود که چرا در حکومت‌های قدرتمند قبل از آنها این رشد علمی مشاهده نمی شود. از طرفی همانطور که جوئل کرم می گوید: «عصر رنسانس اسلامی دوران فشار اقتصادی و آشفتگی اجتماعی بود و جامعه دچار تورم روز افزون و افزایش مالیات و ته کشیدن ذخایر کشاورزی و قحطی و کاهش جمعیت و بازارهای کساد-بود»^۱.

پس در اینجا این مسئله مطرح می شود که با توجه به این دو موضوع چگونه می توان علل این رشد و تحول علمی - فرهنگی را تبیین کرد.

۱- جوئل.ل.کومر. احیای فرهنگی در عهد آل بویه. محمد سعید رضایی کاشانی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۵۷ ص ۶۳

طرح سئوالات:

۱- آیا می توان علت این تحول علمی را قدرت پادشاهان آل بویه (خصوصاً

عضدالدوله) دانست؟

۲- آیا می توان گفت که این رنسانس ارتباطی به نوع حکومت آل بویه ندارد و

سیاستهای خلفای عباسی مسبب آن بود؟

۳- آیا تسامح و تساهل دولت آل بویه در تحول علمی آن دوران نقش نداشت؟

فرضیه:

مهمترین دلیل تحول علمی در عصر آل بویه، دانش دوستی و علم ورزی حکمرانان آل

بویه بود.

سابقه تاریخی دولت آل بویه:

آل بویه سلسله ای ایرانی نژاد و شیعی مذهب منسوب به ابوشجاع بویه که میان سالهای (۴۴۷ - ۳۲۴) یا (۹۳۳ - ۱۰۵۶ میلادی) بر بخش بزرگی از ایران و عروق و جزیره تا مرزهای شمالی شام فرمان راندند.^۱

بنیانگذاران آل بویه تازه به دوران رسیدگانی بودند که نیایشان مردی گمنام و یا ماهیگیری تهی دست و یا هیزم کش بود. آنها از مقام ساده سرهنگی به قدرت رسیدند و در نتیجه می باید اصل و نسبی مشروعیت آور برای خود می ساختند و بوسیله ازدواج با خاندان عباسی پیوند می یافتند.^۲

از اولین قرن سوم به بعد سلسله دیرینه دستگاه خلافت عباسی با بینشهای استقلال طلبانه ای در قلمرو خود رو به رو شد که ضعف تدریجی نفوذ سیاسی خلفا انجامید. این بینشها در میان ایرانیان که از پیش فرصتی می جستند تا خود را از بند ستم عباسیان برهانند با ظهور دولتهای صفاریان و سامانیان و زیاریان به اوج خود رسید.^۳ در اوایل سده ۴ هـ/ ق دیلمیان که هیچ گاه به اطاعت کردن خلفا گردن ننهاند جنبشهای دیگری در شمال ایران آغاز کردند. آنگاه که ماکان کاکای اسفار بن شیرویه و مرداویج زیاری، هر یک لشکری بسیج کردند و از دیلم خارج شدند، علی و حسن پسران ابوشجاع بویه ماهیگیر دیلمی به ماکان که فرمانبردار سامانیان بود پیوستند.

۱- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بی جا، ۱۳۷۴، ج (۱) ص ۶۲۹

۲- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۱

۳- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد (۱)، ص ۶۲۹

علی خود از قبل، در خدمت نصر بن احمد سامانی می زیست^۱ پس از آنکه مرداویج بر گرگان و طبرستان چیره شد. اینان با جلب نظر ماکان^۲ به مرداویج پیوستند (۳۲ق/۴۴۷م) او آن دو را گرامی داشت و علی را به حکومت کرج گمارد. اما به زودی پشیمان شد^۳ علی به پایمردی حسین بن محمد ملقب به عمید که او را مضمون نامه مرداویج مبنی بر جلوگیری از رفتن علی به کرج و فرمان بازگشت او آگاه ساخته بود، به سرعت وارد کرج شد^۴ و رشته کارها را بدست گرفت و با تصرف دژهای اطراف نیرویی یافت که مایه بیمناکی مرداویج شد. افزون بر آن، مردانی که مرداویج برای دستگیری علی به کرج فرستاد، به او پیوستند و نیرویش افزون گشت و او قصد تصرف اصفهان کرد. اگر چه در آغاز بر اصفهان چیره شد ولی با هجوم و چشمگیر برادر مرداویج واپس نشست چندی بعد ارجان و نوبندگان را تسخیر کرد و برادرش حسن را به تصرف کازرون فرستاد. حسن کازرون را گشود^۵ و مال بسیار گرد آورد. سپس لشکر محمد بن یاقوت را که دوباره در اصفهان امارت یافته بود و به مقابله با پسران بویه آمده بود در هم شکست و به نزد علی بازگشت. اگر چه علی سال بعد به همراهی برادرانش حسن و احمد بر شیراز چیره شد و دولت مستقل خود را در آنجا پی افکند ولی مورخان فتح ارجان (۳۲۱ق/۹۳۲م) را آغاز پایه گذاری دولت آل بویه دانسته اند طی

۱ دائرالمعارف بزرگ اسلامی. به نقل از ابن اثیر (۸/۴۸۳)

۲ همان به نقل از ابن مشیونه، ج (۱) ص ۲۷۵

۳- همان به نقل از ابن اثیر، ج (۱) ص ۲۶۸

۴- همان به نقل از ابن اثیر، ج (۸/۲۶۸)

۵- همان به نقل از مقریزی، (۱/۲۷) ص ۶۲۹

۱۲ سال پس از آن حسن و احمد نظر به ترتیب بر ری و کرمان و عراق چیره نشدند و دولت آل بویه به ۳ شاخه بزرگ و یک شعبه کوچک در کرمان تقسیم شد. عمر دولت آل بویه از نیمه اول قرن چهارم تا اواخر نیمه اول قرن ۵ کمی یا بیش از یک قرن به درازا کشید.^۱

۱- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم، ج ۱- انتشارات انصاریان، بی جا، زمستان ۷۵، ص ۳۵۹

بخش اول:

نگرشی بر تحول علمی و فرهنگی و وضعیت علوم مختلف در

عصر آل بویه

عصر آل بویه، عصر پیشرفت علمی:

قرن چهارم هجری از حیث تکامل علوم و ظهور علمای بزرگ مهمترین دوره اسلامی است در این قرن علمای بزرگی در هر یک از شعب علوم عقلی و نقلی ظهور کرده اند^۱ و از آنجا که از اوایل نیمه اول قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم، حکومت آل بویه بر ایران حاکم بوده اند لذا می توان این تحول علمی را به این دوران نسبت داد.

در رشته های مختلف علوم عقلی در این عهد تالیف کتب مهم صورت گرفته و بعضی از آنها کتابها به درجه ای از اهمیت رسیده که در تمام دوره اسلامی به عنوان بهترین و کاملترین مکتب مورد مطالعه و تحقیق و شرح و تفسیر علمای اسلامی قرن قرار گرفته است.^۲

لوپز معتقد است که قرن چهارم اوج اعتلای رنسانس اسلامی است.^۳ اوج پیشرفت در نیمه دوم قرن (چهارم/دهم) و در زمان حکومت نسبتاً روشن اندیش و تسامح پیشه آل بویه در عراق و غرب ایران پدید آمد. امیران و وزیران دیلمی و نسعیمان نیرومند علوم و فنون بودند. عصر آل بویه بی گمان اوج دورانی بود که آرام تر آن را «رنسانس اسلامی» می نامد و از بسیاری جهات دوره عظمت فرهنگ اسلامی در قرون اولیه هجری محسوب می شود.^۴

۱- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج (۱)، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۵۹

۲- همان، ص ۲۷۹

۳- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۳۰

۴- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۳۴

در آن زمان گذشته از طبقه خواص عامه مردم نیز دارای اطلاعات مختلف بویژه معلومات دینی بودند و می توانستند در مسائل مربوطه به کلام و امور مذهبی بنحوی بحث و استدلال کنند.^۱ ابن حوقل می گوید^۲ من خودم در خوزستان دو باربر را در حالیکه بارهای گران بر دوش یا سر خود حمل می کردند دیدم که در حین عبور از مسائلی که از علم کلام با یکدیگر گفتگو و مباحثه می کردند. همچنین درباره مردم ناحیه ای از فارس می گوید^۳ که غالب مردم با سواد و ادیب هستند و نیز می گوید: عوام خوارزم عموماً از علم کلام اطلاع دارند چون عالمی وارد خوارزم شود، گرد او جمع می شوند و با وی بحث می کنند.^۴

راجع به رواج علم در این دوره مذکور، اشارات متعدد در دست داریم و علی الخصوص جغرافیانویسان قرن مذکور از چگونگی حال علم و علما در بلاد مهم از قبیل شیراز و ری و اصفهان و دینور و نیشابور و بخارا جزء آنها اطلاعاتی داده اند که همه آنها دلیل به رواج علم و ادب و احترام علما و ادب است و غالب کتب رجال هم ناطق به همین حقیقت است.^۵

تعداد بسیاری از بهترین و مهمترین کتابهای دینی و علمی وادبی که امروز در دست داریم از آثار آن زمان است. مسلماً صنایع ظریفه نیز در آن زمان رونق بسزایی داشته

۱- علی اصغر فقیهی، شاهنشاهی عضد الدوله، مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا، بی جا، ص ۲۴۸

۲- همان به نقل از صورة المارض، ص ۲۳۰

۳- همان به نقل از صورة المارض، ص ۲۴۷

۴- همان به نقل از آثار العبار، ص ۲۴۸

۵- تاریخ ادبیات ایران، ج (۱)، ص ۲۶۰

چون پیشرفت علوم با توسعه صنعت و توسعه علوم ادبی با پیشرفت امور ذوقی همراه است.

فعالیت علمی شیعه در بغداد، در سایه حمایت بوبیان قابل توجه بود.^۱ یکی از وزرای آل بویه بنام ابونصر در سال ۳۸۳ نخستین دارالعلم را در محله شیعه نشین کرخ تاسیس کرد. او کتابهای زیادی برای دارالعلم تهیه کرد و آنها را وقف فقها کرد. ابن کثیر نوشته است: « به گمان من این نخستین مدرسه ای بود که وقف فقها شده و به مدت زیادی قبل از تاسیس مدارس نظامیه بوده است.»^۲

بطور کلی سهم بوبیان در غنا بخشیدن به فرهنگ و بارورتر کردن مبانی علمی و هنری در قلمروهای خلافت بطور نسبی بیش از دیگران بود. تشویق و حمایت از مردان حکمت و دانش در سراسر دوران سلسله بوبیان مشاهده می شود و اینان بخصوص بلحاظ پیروی از مذهب تشیع از آزادی اندیشه ای برخوردار بودند که به آنان اجازه می داد تا فعالیت های علمی و هنری و ادبی را از هر بابی که می خواست باشد، پرورش داد، تشویق کنند.^۳

مقدسی در کتاب صورة المراض آورده است: [از شهرهای مختلف تحت قلمرو بوبیان] بزرگان و دانشمندانی برخاسته و در عصر جزء آن شهرت یافته اند.^۴

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج (۱)، ص ۳۶۳

۲- همان به نقل از البدایه و النهایه، ج (۱)، ص ۳۳۳ (حوادث سال ۱۳۸۴)

۳- مفیزالله کبیر، ماهیگیران تاجدار، مهدی افشار، بی نا، ۱۳۶۲، بی جا، ص ۲۷۸

۴- ابن حوقل، صورة الارضة دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴، بی جا، ص ۱۰۴

دوران قدرت و اهمیت دیلمیان بیش از یک قرن و نیم نپایید اما خدماتی که در این زمان کوتاه در راه بزرگداشت ایران و ایرانی انجام شد بمراتب بیشتر از خسارات و زیانهایی بود که در اثر اختلافها و کشمکش های میان امرای آخر، آن دودمان، بر این کشور تحمیل شد.

رشد و تحول علمی در زمینه های مختلف علوم:

در عصر آل بویه همچنان که در اکثر کتب تاریخی آمده است، علوم مختلف، از رشد چشمگیری داشتند و در هر یک از شاخه های مختلف علوم، دانشمندان و اندیشمندان بزرگی، پا به عصر علم و معرفت گذاردند. در بسیاری از علوم عقلی و نقلی، در منابع معتبر تاریخی نام اشخاص مختلفی ذکر شده است که قید کردن نام اقسام آنها غیر ممکن و یا مشکل و بیرون از توان ما است. ایران عصر بوبیان، در شاخه های مختلف علوم از قبیل علوم شرعی (تفسیر حدیث، فقه، کلام و فلسفه) و علوم عقلی (پزشکی، نجوم، ریاضیات و . . .) و ادبیات (خصوصیات ادبیات عرب) شخصیت های بزرگی را بر خود دید.

وضعیت علوم مختلف در عصر آل بویه:

علوم شرعیه: علوم شرعیه در این عهد دنباله ترقیات قرنهای دوم و سوم را طی می کرد. در علم قرائت قرآن از اوایل این عهد دسته ای مانند ابوالحسن محمد بن احمد ابن ایوب بن و ابوالفرج محمد بن احمد بن ابراهیم اشنبودی (م.۳۸۰) و ابوبکر اسعکار القمری (م.۳۵۴) ظهور کرده و با آوردن اقوال شادی مبادرت جسته بودند.

تفسیر قرآن:

تفسیر قرآن هم درین دوره مانند قرن سوم در حال پیشرفت بود. در آغاز این دوره بزرگترین مفسر قرآن یعنی محمد بن جریر طبری می زیست وی کسی است که در تفسیر خود بین درایه و روایه را جمع کرد و با این حال از میان این دو بیشتر جانب روایه را گرفت و بدین سبب کتاب تفسیر وی مقبول مسلمین شد. درباره خلف بن احمد صفاری نوشته اند که بیست هزار دینار برای تالیف تفسیر بزرگی از قرآن به روش علما صرف کرده بود.

تهیه شاهان و امرای قرن چهارم به تهیه تفاسیر متقن منحصر به همین یک مورد نیست چه نظیر همین عمل را منصور بن نوح پادشاه سامانی برای نقل تفسیر کبیر طبری از عربی به فارسی بدست علمای مختلف در خراسان انجام داد.^۱

مفسران بزرگ قرآن در این عصر:

ابوعلی سینا صاحب تفاسیر [ثم استوی الی السماء و هی دخان]، تفسیر سوره اخلاص

تفسیر سوره الاعلی، تفسیر سوره الفلق، تفسیر سوره ناس،^۱

ابوعلی متبالی (مفسر بزرگ معتزله)،^۲ ابوبکر نقاش [مفسر معتزله و صاحب تفسیر

الکبیر (م ۳۵۱)^۳ عبدالسلام قزوینی (مفسر معتزله که تفسیری در سیصد مجلد و به

قول سبکی^۴ در هفتصد جلد داشت) و ابوزید بلخی (م ۳۲۲۰) (شاگرد کندی و استاد

ذکریای رازی)^۵

علم حدیث: علم الحدیث در این عصر همان رواج و اهمیت سه قرن پیشین را داشت

زیرا این علم از مبانی مهم استخراج احکام و وسیله بزرگ اطلاع از سنن نبوی و

آموختن آن مانند آموختن قرآن و علوم وابسته به آن لازم بوده است. در عصر آل بویه

دنباله کار ائمه حدیث در اواخر قرن سوم گرفته شد. روش کار علم مذکور تا اوایل قرن

چهارم آن بود که هر محدثی با رحلت در بلاد و مراکز مختلف تجمع احادیث و ملاقات

محدثین احادیث را گرد می آورد و سلسله روایت را چنانکه دریافته بود حفظ می کرد.

نتیجه این امر آن بود که یک حدیث بروایات مکرر و با اختلافات جزئی چند بار تکرار

می شد و گردآوردن احادیث برای هر کس مستلزم صرف وقت بسیار بود و تدوین و

۱- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج (۱)، ص ۶۴۵ و تاریخ ادبیات ایران، ج (۳)، ص ۲۶۹

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج (۳)، ص ۲۶۹ به نقل از الحضادة الاسلامیه، ج (۱)، ص ۳۲۵

۳- همان به نقل از الفهرست ابن ندیم، ص ۵۰

۴- همان به نقل از طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۳۲

۵- همان به نقل از معجم لابلأء، یاقوت صمدی، چاپ مصر، ج ۳، ص ۲۹

تصویب آنها بصور مختلف کمتر تسری یافت. اما از قرن چهارم روش دیگری در علم الحدیث معمول شد و آن عبارتست از روایت حدیث بدون ملاقات رجال آن علم و بدون اجازه مکتوب از محدثین. نتیجه این روش آن بود که علمای علم الحدیث بجای تحمل شداثد اسف بار با مطالعه کتب حدیث از این علم بهره مند می شدند و اشکالی نداشت که از این راه هم ائمه بزرگی در حدیث پدید آیند که جای اصحاب این علم را در قرون متقدم بگیرند. مثلاً ابن یونس ابوسعید عبدالرحمن بن احمد (۲۸۱ - ۳۴۷) بدون آنکه اقدام به اقامت در بلاد کند، حافظ حدیث شد.^۱

مطالعه احادیث در کتب مشهور حدیث باعث شد که حافظان بزرگی در این عصر پدید آیند و سرعت در تعلم علم حدیث فزونی گیرد.^۲

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج (۳) ص ۲۷۳ به نقل از حسن المعاضره از سیوطی ج (۲)، ص ۱۶۴

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج (۳) ص ۲۷۳ به نقل از الحضارة الاسلامیه، ج (۲)، ص ۳۱۶

بزرگترین محدثین عصر آل بویه:

ابوالحسن علی بن عمر البغدادی الدارقطنی: محدث بزرگ شافعی (م.۳۸۵)

ابوبکر عمر بن منذر النیشابوری: از ائمه بزرگ حدیث (م.۳۱۶)

ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی مصنف بزرگ در حدیث و فقه و مولف اسنن الکبیر و

اسنن الصغیر (م.۴۵۸).

علم فقه:

از بغداد گرفته تا شهرهای مهم خراسان و ماوراء النهر همه جا در این عصر بنام فقههای

بزرگ بر می خوریم. هر چند در این دوره علم فقه نسبت به سایر علوم کمتر مورد

توجه بوده، اما نام فقههای بزرگی در این دوره بحث شده است.

بزرگان علم فقه:

محمد بن جریر طبری (مذهب مشهور طبریه را در فقه آورد و تا مدتی پس از وی باقی

ماند)

ابوالحدیث محمد السمرقندی ملقب بامام الهادی (م.۳۷۳)

ابوالحسن عبید الله الکوفی (م.۳۴۰) رئیس صنفین عراق.

ابوبکر ابحصاص البغدادی (م.۳۷۰) جانشین ابوالحسن عبیدالله.

ابوالحسن علی بن احمد البغدادی مشهور به ابن قصار (م. ۳۹۸) رئیس مالکیه عراق.
ابوعلی حسن بن قاسم طبری (از مشاهیر فقهای شافعی (م. ۳۰۵) مولف کتاب المقرر و
کتاب الاوضاح.

احمد بن عمر بن سریق (م. ۳۰۶)

ابواسحق مروزی (ناشر مذهب شافعی) (م. ۳۴۰)

ابوالحسن علی بن الحاوردی مولف کتاب الحاوی که از مهمترین کتب فقه شافعی است
و کتاب الاحکام السلطانیه که در آن مناصب دولتی را از لحاظ مذهبی شرح داد و
کتاب ادب الدین و الدنيا در اخلاق بنا بر اصول دینی. و کتاب الاسناع در فقه. و دلایل

النبوة و قانون الوزارة (م. ۴۵۰)

عبدالله بن داود سیستانی (م. ۳۱۶) از ائمه ضابله، و ابوالقاسم عمر بن حسین فرقی
(م. ۳۳۴) صاحب کتاب المختصر در فقه ضابطه^۱

علم کلام: علم کلام در این عصر از آن باب که آخرین ائمه معتزله و نخستین
متکلمین مشهور اشعری مشغول مبارزه بوده اند اهمیت بسیار داشت. علاوه بر این دوره
مذکور، عصر ظهور فلاسفه بزرگ و دوره تألیف کتب معتبر در شعب حکمت بود و طبعاً
این امر در ظهور متکلمین بزرگ هم موثر واقع شد.

۱- دائرالمعارف بزرگ اسلامی، ج (۱) ص ۶۴۵ و تاریخ ادبیات ایران، ج (۳) ص ۲۷۶ به نقل از طبقات الشافعیه ج (۳) ص ۳۰۳، ۳۱۴ و همچنین زین الدین قربانی، تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، بی تا، بی جا، ص ۳۰۵

یکی از مذاهب علم کلامی که در این قرن شکل گرفت مذهب ماتریریه است که مؤسس آن امام ابومنصور ماتریدی (م. ۳۳۳) از کبار ائمه حنیفه ماوراء النهر بود. مذهب ماتریدی در اصول به مذهب اشعری نزدیک و با آن متشابه بود و هر دو در مخالفت با معتزله با یکدیگر اشتراک داشتند.^۱

متکلمین بزرگ این عصر:

ابوحامد اسفراینی (م. ۴۰۶) از مشاهیر ائمه اشاعره، امام ابوبکر محمد بن الطیب الباقلانی (م. ۴۰۳) صاحب کتاب التملیدی الرد علی الملحدۀ و المعطلۀ و ابوافضه و الخوارج و المعتزلی. ابوبکر بن فورک اصفهانی (م. ۴۰۶) وی در حدود صد تالیف داشت. عبدالرحیم بن محمد بن عثمان الخياط (پیشوای فرقه خیاطیه) از ائمه معتزله او مولف کتاب الانتصار است. ابوعلی محمد بن عبد الوهاب جبائی (م. ۳۰۳) از ائمه معتزله و از جباى خوزستان و رئیس فرقه جبانیه و استاد ابوالحسن اشعری، ابوهاشم جبائی رئیس فرقه بهشمیه از ائمه معتزله (م. ۴۲۹) ابوزید احمد بن سهل البلخی (م. ۳۴۲) از مشاهیر متکلمین معتزله، شاگرد کندی و استاد زکریای رازی در علم کلام چنان شهرت داشت که او را تالی جاحظ دانسته و جاحظ فروان لقب داده اند.

علوم عقلی:

دوره آل بویه از حیث علوم عقلی مهمترین دوره اسلامی و از جمله قرنهای طلایی تاریخ علوم در جهان شمرده می شود. در اوایل و اواسط این عصر دانشمندانی از قبیل محمد بن زکریای رازی و بعد نصر فارابی و علی بن عباس محبوسی اهوازی و در پایان این دوره رجال بزرگی مانند ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی و جز آنان زندگی می کرده اند.

از علل عمده پیشرفت و ترقی علوم عقلی در این دوره یکی وجود عده ای از امرا و وزرا مشوق علم است در نواحی مختلف ایران، غالباً اتفاق می افتاده است که رجال این عصر در حضور خود مجالس برای بحث و مناظره ترتیب می دادند و علمای بزرگ را در آن

گرد می آوردند و گاه خود در این امر شرکت می کردند و با کسب اطلاعات از دانشمندان خود مبادرت می جستند و بزرگان علم و حکمت را از راههای مختلف به کار علم و تالیف و تدوین و تحقیق و تشویق می کردند و برای تالیفات آنان صلوات گران می دادند و یا وسائل کار و زندگی مرفه برای آنان در دستگاه خود فراهم می آوردند نتیجه این تشویق و ترغیب آن بود که علما با قوت قلب به علم توجه کنند و بترجمه و تالیف کتب مشغول باشند و بازار علم و رونق و رواج داشته باشد.

علم ترجمه :

در این عصر هنوز دنباله ترجمه و نقل کتب علمی از زبانهای مختلف و علی الخصوص زبان یونانی و هندی و سریانی منقطع نشده بود و درین عهد بنام عده ای از مترجمان بزرگ بر می خوریم.

مترجمان بزرگ عصر آل بویه:

ابوبشر متی بن یونس القنائی (م. ۳۲۸) از مشاهیر و مترجمان و دانشمندان اوائل قرن چهارم. وی استاد ابونصر فارابی بود. ترجمه کتاب الشعر (ابوطیقا) ترجمه کتاب انالوطبقای ثانی از ارسطو از جمله کارهای اوست.

ابوزکریا یحیی بن عدی (م. ۳۶۴) ترجمه سوفسطیقای ارسطو، از جمله کارهای اوست. ابوعلی بن زوعه (م. ۳۹۸) از ملازمان یحیی بن عدی که چندین کتاب از فلاسفه یونان را از سریانی به عربی ترجمه کرد.

ابوالخیر بن قمار (م. اوایل قرن ۵) ترجمه «الاثار المتفیلة فی الجو» از سریانی به عربی از کارهای اوست. نظیف القس، از پزشکان معاصر عضدالدوله بود و از چهار طبیبی بود که آن پادشاه آنرا در بیمارستان خود در بغداد بکار معالجه گماشت. از ترجمه های موجود او ترجمه اضافاتی بر اشکال مقاله، هم از کتاب اقلیدس است.

ابوالحسن الحرانی الصبالی، (م. ۳۶۹) معاصر امیرعزالدوله و عضدالدوله بوده است وی از پزشکان و مترجمان بزرگ بود و علاوه بر تالیفات خود ترجمه هایی در طب از پزشکان قدیم داشت.

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی (۳۶۲-۴۴۰) دانشمند جلیل القدر قرن چهارم و پنجم از جمله مترجمان کتب مختلف هندی به زبان عربی و از ناقلان برخی داستانهای ایرانی به زبان عربی است وی با زبان سانسکریت آشنایی کامل داشت از جمله ترجمه های او یکی ترجمه مستقلی از سید مانتا طرق حساب هند است.

ترجمه کتاب الموالید الصغیر ازواراما میملیوا^۱ منجم و ریاضی دان بزرگ هند که در اوایل قرن ششم میلادی می زیسته است. دیگر ترجمه کتاب (کلب یاره) که کتابی هندی در باب امراض عفونی بوده است.

ترجمه حدیث قسم السرور و عین الحیوه، حدیث او رمزومهریار حدیث صفی الباسیان حدیث داهه و گرامی رفت از دیگر کارهای اوست.^۲

علم حکمی:

مترجمان بزرگ این دوره اسلامی ضمن ترجمه کتب حکمای یونانی به نقل این کتاب و غالب مشروح معروف افلاطونیان جدید و همچنین به نقل کتبی که بعضی از علمای مسیحی آسیای صغیر مراکز علمی شان بین النهرین با توجه به مکتب ارسطو برای اثبات عقاید دینی خود نوشته بودند مبادرت کردند و نتیجه این امر آن شد که اولاً مسلمانان عقاید افلاطون و ارسطو را بیشتر از لحاظ شارمان مذکور و با اختلاط به عقاید آنان بشناسند و ثانیاً بسیاری از بحث های شادمان مذکور و با اختلاط به عقاید

۱- varahanihira

۲- همان به نقل از رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمدبن زکریای رازی، به تصحیح پول کرماوس، پاریس، ۱۹۳۶

آنان بشناسند و ثانیاً بسیاری از بحث های آنانرا به عنوان مباحث واقعی در حکمت مشاء در تمدن اسلامی تعقیب کنند.

در این عهد میان حکما بحث و مشاجرات بسیار جریان داشت زیرا مسلمین بر اثر ترجمه کتب مختلف از علماء و حکمای قدیم با روشهای گوناگون آشنایی یافتند و غالباً در قبول این روشها با یکدیگر وارد مشاجره و بحث می شدند و اختلافات محمد بن زکریای رازی با غالب متفکرین عصر خود بیشتر در نتیجه چنین امر است. گاه ممکن بود بعضی از اهل تحقیق از چندین روش متأثر باشند چنانکه اخوان الصفا در پاره ای از موارد از روش حکمت مشاء و گاه و از فیثاغوریون و زمانی از حکمای افلاطونی و گاه هم از مبانی مذهبی قبول اثر کردند.

به هر حال آنچه در مورد علوم حکمی در این عهد مهم است این است که حکمت مشاء در اوایل این عهد بوسیله شاگردان کندی و ابونصر فارابی (م.۳۳۹) و در اواخر این دوره بدست خاتم حکمای بزرگ مشرق یعنی ابوعلی سینا (م.۴۲۸) بنحوی مدون و مرتب گشت و با افکار و حوائج معنوی مسلمین تطبیق دالی شد که می توان این عهد را دوره تسلط روش مذکور و پا برجا شدن آن بصورت طریق رسمی و عمومی حکمای اسلامی دانست.

حکمای بزرگ ایران در عصر آل بویه:

محمد بن زکریای رازی (از مشاهیر علمای جهان و یکی از نوابغ روزگار قدیم) خوانده و در مقام بعد از ارسطو قرار داده اند. فارابی مانند همه دانشمندانی که در تمدن اسلامی

عنوان فیلسوف داشته اند از سراسر علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیف بوده است.

ابوالحسن شهید بن حسین بلخی (م.۳۲۵) ابوزکریا یحیی بن عدی المنطقی (از شاگردان متی بن یونس) (م.۲۶۴) ابوسلیمان منطقی از شاگردان بزرگ متی بن یونس، معاصر عضالدوله و حسام الدوله بوده و از توجه و اقبال امراء و وزرای آل بویه بسیار برخوردار بوده است. (م.۳۹۱)

وی رساله بنام عضالدوله، با عنوان امیر بوبی در شرح فنون مختلف حکمت و تفسیر کتب ارسطو نوشته بود. ابوحیان توحیدی (م.۴۰۰) ابن مسکویه از مشاهیر و نویسندگان این عهد است.

وی ابتدا زرتشتی و بعد مسلمان شد. وی ابتدا در خدمت ابومحمد ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله بود و بعد از آن نزد ابن الحمید و سپس به خدمت عضد الدوله و حسام الدوله در آمد. وی از بزرگترین نویسندگان و مورخان اسلامی بشمار میرود وفات وی در سال (۴۲۱ هـ) اتفاق افتاد. ابن طیب (م.۴۳۵) ابن هندو، (م.۴۲۰) از دیگر نویسندگان بوده اند.

ابن سینا: فیلسوف و طبیب و نویسنده و وزیر مشهور ایرانی و خاتم حکمای مشرق و از بزرگترین حکمای اسلام و یکی از اجله علمای عالمیت. در هجده سالگی به غالب علوم عصر خود تسلط داشت. وی حدود ۲۳۸ کتاب و رساله تالیف کرده و تنها حکیمی است که تقریباً همه آثارش باقی مانده و برخی به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

اخوان الصفا و خلان الوفا: طبقه ای از حکمای ایرانی قرن چهارمند که خواستند حکمت یونانی و دین اسلام استوارترین قدم ها را بردارند و برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفت اهل دین و فلسفه پیشبرد عقاید خود موفق شوند، رسالاتی بی ذکر نام مولف می نوشتند این رسائل به نام رسائل اخوان الصفا مشهور هستند. در پاسخی که ابوحنیفان توحیدی در حدود سال ۳۷۳ به ابن سعدان وزیر حسام الدوله گفته بود نام این افراد به عنوان مولفین اخوان الصفا آمده است: ابوسلیمان محمد بن معشر البتی معروف به المقدسی، ابوالحسن علی بن هارون الزنجانی، ابواحمد المهربانی، ابوالحسن علی بن رامیناس العوفی، وزیدبن فاعه.

علوم ریاضی در عصر آل بویه:

ریاضیات در این دوره مانند سایر علوم عقلی در مراحل سریع کمال پیش می رفت و تالیفات مهمی در این دوره در این علم صورت گرفته است. علت عمده ترقی علوم ریاضی خاصه علوم نجوم و علم حساب و هندسه حاجت مبرم مسلمین به آنها بوده است. اعتقاد شدید مسلمین به تاثیر حرکات کواکب و حالت‌های مختلف آنها در احوال آدمیان و اعمال آنان، باعث ورود منجمان در دستگاه‌های امرا و رجال بزرگ بود و حاجتی که به علم حساب و هندسه در امور مختلف داشتند باعث توجه شدید آنها به علوم ریاضی می شد و با آنکه بعضی از فقها و معتصبان در جلوگیری از کار این علوم کوشش بسیار کردند لیکن حاجت و اعتقاد مردم تا حدی از شدت تاثیر این حملات

کاست. توجه به رصد کواکب در این عهد بسیار بود چنانکه شرف الدوله پسر عضد الدوله (۳۷۶-۳۷۹) رصد خانه یی در بغداد بنا کرد و ابوسهل کوهی در آن رصد کواکب سبعه را رصد نمود.^۱

ابوعلی سینا از جانب علاءالدوله مامور شد رصدخانه ایی در اصفهان ترتیب دهد و او به همراه ابوعبید جوزجانی به این کار مبادرت کرد.

علوم ریاضی، علم حساب، علم جبر در میان مسلمین ترقیات بسیار کرده علت این بود که مسلمانان از اطلاعات یونانیان و هندوان در این باب استفاده کردند و مستنبطات خود را بر آنها افزودند و از این طریق تکامل در این علم ایجاد کردند. در علم موسیقی

که از اصول علم ریاضی است در آغاز این قرن بزرگترین و مهمترین کتاب بدست ابونصر فارابی، فیلسوف بزرگ تدوین شد.

ریاضی دانان مشهور عصر آل بویه:^۲

ابوالوفا البوزجانی (۳۲۸-۳۸۷): از مترجمان بزرگ کتب ریاضی از یونان به عربی، اختصاصش بیشتر درهندسه و نجوم بود و هر دو علم تاثیر بسیاری در معاصران خود داشت.

از جمله آثار او عبارتند از: کتاب المجسعی شامل هفت جز، کتاب مایحتاج الیه الکتاب و العمال من علم الحساب. کتاب الکامل، کتاب الهندسه.

۱- همان به نقل از مختصر الدول، ص ۳۰۷

۲- نقش ایرانیان در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۰۷، همچنین دائرالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۶

ابوالفتح محمودبن محمد بن قاسم الاصفهانی: از مشاهیر مترجمان و ریاضی دانان قرن چهارست که ترجمه کتاب المخروطات ابولونیوسن را که هلال بن ابی هل الحسمی و ثابت بن قره ترجمه کرده بودند تکمیل نمود. ابوجعفر خازن الخراسانی (۳۴۹-۳۶۰) ابوسهل و یحیی بن رستم الکوهی: وی در رصد خانه شرف الدوله در سال ۳۷۷ به رصد کواکب پرداخت و پله بعضی از آثار او را در مقدمه کتاب جبرخیام نقل و به فرانسه ترجمه کرده است.^۱

ابوسعید احمد بن محمد بن عبد الجلیل الجزی: منجم و ریاضی دان بزرگ و مشهور قرن چهارم (م. ۴۱۴) که با ابوجعفر احمدبن محمد صفاری و عضالدوله معاصر بوده با آنان ارتباط داشته است.

از جمله آثار او که در دست است عبارتند از: نامه یی که در جواب ابوجعفر احمد بن محمد صفاری در باب (انتسام خط مستقیم زی نهاییه بنصفین) و رساله «فی عمل مثلث حاوی الزوایا من خطین مستقیمین مختلفین» و رساله «خواص الشكل المجمع الحادث، من اداره القطع الزاید و الکافی» و کتاب فی مساحتہ الاکر» و رساله فی اخراج الخطوط فی الدوائر الموضوعه من النقط المعطاءة) و (تحصیل القوانین الهندسیته المحدوده) و «رساله فی الجواب عین المسائل التحاسل فی حل اشکال الماخوذه من

کتاب الماخوذات لارشمیدس و «الجامع الشاهی» که آنرا به نام عضد الدوله دیلمی نوشت. «المدخل، تحصیل القوانین و... نیز از آثار اوست.^۱

ابوالحسین عبد الرحمن بن عمرالصوفی الرازی (۲۹۱-۳۷۶) معلم عضد الدوله و مولف کتاب صور الكواكب که به عضد الدوله تقدیم گردیده بود.

ابوالحسن کوشیار بن لبان با شمیری گیلی، ابونصر حسن علی القمی، معاصر فخرالدوله بویی (۳۶۶-۳۸۷) از جمله کتب او المدخل الی احکام النجوم است.

ابوالعباس احمد بن محمد السرخسی از منجمان و اطباء قرن چهارست که سال ۳۴۶ در گذشت از جمله تالیفات او کتاب المدخل الی علم النجومست.

ابوالحسن علی بن، محد نسوی صاحب کتاب «النگی فی الحساب الهندی»

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی: بزرگترین ریاضیدان آخر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم. (۳۶۲، م. ۴۴۰)

ابوریحان بر طبق لیستی که خود تالیف کرده تا سن ۶۵ سالگی نزدیک به ۱۳ کتاب تالیف کرده بود. این کتب در مسائل مختلف از قبیل هیئت، طب، حکمت، حساب،

مباحث فیزیکی و عمل آلات مختلف، آثار العلویه، احکام النجوم، اسمار، و احادیث تاریخ، جغرافیا، روانشناسی، و عقایدست. آثار الباقیه، المجاهر فی معرفته الجواهر،

التفهیم (اوائل صناعة التنجیم، عله الهینه الاستیعاب فی صنعه الاسطولاب، القانون المسعودی فی المنیته و النجوم،... از جمله آثار اوست.

شیخ الرئیس ابوعلی سینا: که نام او در شمار حکمای ایران ذکر شده است در علم ریاضی مانند سایر علوم حکمی تالیفات متعدد دارد و در این فن شاگرد او ابوعبید گفته است مطالبی تازه و مسائلی نو داشته است. وی در هر یک از اختصارات اقلیدس و حساب و موسیقی که در کتاب شفا گنجانده است عباراتی آمده است.

الزاویه یا تحقیق مبادی الهندسه، رؤیة الكواكب باللیل النهار - رساله فی الموسیقی، الفلك و المنازل یا المختصر فی علم الهیئه، فی سبب قیام الارض فی وسط السماء. ابطال احکام النجوم فی ابعاد الظاهره - الاجرام السماویه از جمله آثار اوست.

علم طب:

تالیف و تدوین در علم طب از قرن دوم هجری آغاز و در قرن چهارم به اوج خود رسید. در اوائل قرن چهارم یکی از بزرگترین اطباء جهان که او را بحق جانشین جالینوس دانسته و جالینوس العرب لقب داده اند یعنی محمد بن زکریای رازی شروع به تالیف کتب مهم طبی خود کرد. مهمترین کتاب طبی او کتاب الحاوی است هر چند این تالیفات قبل از دوره آل بویه صورت گرفت ولی تاثیرات آن، تحول عجیبی در طب قرن چهارم و اوائل قرن ۵ یعنی زمان حکمرانی بوبیان بوجود آورد.^۱

بزرگان علم طب در عصر آل بویه:

ابوالحسن احمد بن محمد الطبری طبیب رکن الدوله بویی. که کتاب مشهور وی در «المعالجۃ البقراطية» نام دارد.^۱

ابو منصور حسن بن نوح القمری البخاری: که ابن سینا چندی در خدمت او علماً و عملاً به تعلیم طب اشتغال داشت.^۲

علی بن عباس محجوسی اهوازی طبیب عضدالدوله دیلمی، بزرگترین طبیب اسلامی بعد از رازی است. (م ۳۸۴) کامل الصناعۃ فی الطب (الطب الملکی) و کناس عضدی از کتب معروف او است. این کتاب پیش از قانون کاملترین کتاب در فن طب شمرده می شود.^۳

ابوسهل عیسی بن یحیی المسیی الجوجانی: استاد ابوعلی سینا (م ۴۰۳) «المائۃ فی الصناعه الطبيعۃ» کتاب معروف اوست که حاوی تمام ابواب طب است.

ابوعلی بن سینا: طبیب بزرگ آخر قرن چهارم و آغاز قرن پنجم و کسی است که طب اسلامی را منتهای کمال رسانیده و با آن نظم منطقی و جنبه علمی کامل داده است.

از ابن سینا رسالات و کتب متعدد در دست است مانند الادویه القلیبۃ، ارجوزۃ فی التشریع، ارجوزۃ فی المطبوبات فی الطب، ارجوزۃ فی الوصایا الطبيعۃ، الاقربازین، فی

حفظ الصحۃ، رفع الحضارالکيه من اللبدان المانسانیه، سیاسته البلان، الفصد، فصول فی

۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ ص ۶۴۶

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۰۷، همچنین تاریخ ادبیات، ج (۱) به نقل از طبقات الماطباج (۱) ص ۳۲۷

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ ص ۶۴۶

الطب و . . . و کتاب القانون که از جمله مهمترین کتب اسلامی و از ارکان این علم در دنیای قدیم است.^۱

جغرافیا:

از علمی که میان مسلمانان تا پایان این عهد ترقیات شگرف کرده علم جغرافیا است. از اوائل قرن چهارم تا عهد تسلط سلاجقه علمای بزرگی در این عصر ظهور کردند و کتب مقبولی پدید آوردند که از جهات مختلف مانند شرح مسائل طبیعی و اقتصادی و اجتماعی ، سیاسی ممالک و نواحی و توجه با اصول ریاضی اهل علم و ترسیم نقشه ها و بیان ساخت ها و غیره مورد توجه است.

جغرافیدانان بزرگ عصر بوبیان:

ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی (م. ۳۴۶) صاحب کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر^۲ ابوالقاسم محمد بن حوقل بغدادی (۳۵۰-۳۶۶) شامل کتاب جامل در باب جغرافیای همه ممالک اسلامی^۳ ابوالحسن ابراهیم بن محمد الفارسی الاضطخری صاحب کتاب مسالک الممالک کتاب برتری است بر کتاب صور الاقاسم ابوزید بلخی^۴.

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج (۱) ص ۳۴۶ و همچنین تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۰۷

۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶۴۶

۳- تاریخ ادبیات ایران، ج (۱)، ص ۳۵۰

۴- همان، ص ۳۵۱

شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد المقدسی: صاحب کتاب معروف احسن التقاسم فی معرفه الاقاسم که از حیث دقت در بیان آداب و عادات و مذاهب و السنه اقوام و ملل بسیار قابل توجه است.^۱ ابوعبدالله ابن احمد جیهانی از رجال بزرگ ادب و سیاست وزیر منصور بن^۲ نوح که کتاب مفصلی در مورد راههای مسافرتی بود.

ادبیات:

علوم ادبی نیز مانند دیگر علوم در این دوره به منتهای ترقی خود رسیده و کتب اساسی درین عهد تالیف شد. در اواخر دوران دیلمیان تحولی در شهر بغداد پدیدار می شود بدین معنا که شاعر از دنیای اوهام و تخیلات جدا شده به رویدادهای پیرامون خود می نگرد و شهر بازنمایی از وقایع جاری و روزمره پیرامون شاعر می شود و نه تنها شاعران بلکه نویسندگان نیز به چنین سبکی متمایل می شوند. این واقع گرایی دارای دو بینش متفاوت است. یکی بینش بدنیا و دیگری اپیکوری که مبتنی بر پوچ شمردن زندگی و باری بهرجهت بودن و خوش گذرانی است نمایند. و نماد تفکر اولی ابوالسعلا معری شاعر و فیلسوف گیاهخوار سوری است که با عینک بدبینی به جهان می نگرد و برای ناکامیها و مصائب زندگی پایانی و راه گریزی نمی بیند و نماینده و نماد مکتب دوم، شخصیت درباری بویه ای، ابوعبدالله حسین بن احمد بن حجاج است که

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج (۱)، ص ۳۵۱

۲- همان

برای اولین بار آنچه را که اخلاقیون مقاذیر و سحف (وقاحت) می خوانند را در ادبیات جاری ساخت.

دوران بوبیان در حقیقت شکوفایی ادبیات عرب بود^۱ با آنکه بیش تر دانشمندان و وزیران آل بویه ایرانی بودند از نفوذ و رواج ادب پارسی در قلمرو آنان چندان خبری نیست چنانکه برخی از فرمانروایان و نیز وزیران آن سلسله به عربی می نوشتند و شعر می سرودند.^۲ با این حال دربار آل بویه بویژه در ری یکسره از ادیبان و شاعران پارسی گوتهی نبود. شعرا و نویسندگان این عصر از خود آثار جاودانه ای در نظم و نثر بجای گذاشتند که برجسته ترین آنها صاحب بن عباد است.^۳

شعابی در متنی که به صاحب بن عباد نسبت می دهد می نویسد: صاحب معتقد بوده که در روزگار عضد الدوله چهار نویسنده برجسته می زیسته اند. استاد ابوالفضل بن عمید، ابراهیم بن هلال صابی. عبدالعزیز بن یوسف و خود صاحب بن عباد. از میان اینان صاحب بن عباد و ابن عمید^۴ به مقام وزارت نایل آمدند و دو تن دیگر نیز در خدمت عضدالدوله بوده و کارهای مهم دیوانی را به عهده داشتند.

بزرگان ادب فارسی در عصر آل بویه:

۱- ماهیگیران تاجدار، ص ۲۸۹

۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۵

۳- ماهیگیران تاجدار، ص ۲۸۹

۴- همان به نقل از بتمیه، شعابی (۲۸/۱)

ابومنصور بن علی منطقی رازی: استاد شعر دری، از معاصران صاحب بن عباد،^۱ خسروی سرخسی ملقب به حکیم،^۲ ابوعبدالله محمد بن عبدالله منبیدی،^۳ ابوزید محمد بن علی عفتایری رازی.^۴

۱- دایرالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۵ به نقل از (عوفی ۱۷/۲)

۲- همان به نقل از عوفی (۱۸/۲)

۳- همان به نقل از صفا (۴۴۱/۱)

۴- همان

بخش دوم:

بررسی دلایل تحول علمی و فرهنگی در عصر آل بویه

علم دوستی حکام و وزرای آل بویه:

حکام و وزرای آل بویه در سراسر حکومت خود بخصوص در اواسط این دوره (خصوصاً دوران شاهنشاهی عضالدوله) توجه شایانی به آموختن علوم مختلف داشتند و غالباً خود از لحاظ علمی در سطح بالایی به سر می بردند امرا، معمولاً وزرای خود را از میان اهل علم و دانش انتخاب می کردند و بیشتر وقت خود را صرف امور آموزش علمی می نمودند.

مسئلاً هنگامی که سردمداران یک جامعه، خود اهل علم و فضل و دانش باشند توجه بیشتری به رشد فرهنگی و علمی جامعه نشان می دهند و بین کسانی که مایلند در دستگاه دولت جایگاهی داشته باشند، یک نوع رقابت علمی آغاز می شود که خود زمینه ساز رشد بیشتر نهاد علمی دستگاه حکومتی و جامعه است. دوره نخست حکومت آل بویه شامل سلطنت معزالدوله (احمد) و فرزندش عزالدوله (بختیار) می شود. معزالدوله به لحاظ اشتغال فوق العاده زیادی که داشت فرصت اندکی داشت تا به امور فرهنگی توجهی نشان دهد. مع هذا مهلبی، وزیری که خود اهل علم و فضل بود برای جذب ادیبان و هنرمندان و فضلاء مرکز جاذبه ای بشمار می رفت و بسیاری از مردان فضل و ادب در پیرامون وی گرد آمده بودند که این مرکز تاثیر عمیقی بر ادبیات عرب بجای گذاشت.

مهلبی خود شاعر بود و سخن را سنجیده بیان می کرد و از آنجا که طعم تلخ فقر را چشیده بود و رویدادهای مختلفی را تجربه کرده بود ذهنش از خلاقیت بسیاری

برخوردار بود و حکومتش برخواسته از درد بود نه بی دردی. به همین جهت زمانی که به قدرت رسید از خود بیگانه نشد و از خویشتن خویش نبرید و همچنان شعر می سرود و هر چه بیشتر با شعر او نویسندگان و فضلا نزدیک و معاشرت می گردید.^۱

بختیار فرزند و جانشین معزالدوله اگر چه سلطانی ضعیف بود و لیکن به شعر و شاعری علاقه خاصی نشان می داد و در متحیر یتیمه اثر ثعالبی نمونه هایی از تصنیفات و نوشته های وی به عنوان نوشته های خاندان بویه ضبط شده است.^۲ دوره های میانی سلطنت آل بویه که تقریباً در حکومت پر عظمت عضدالدوله است اوج تحول علمی و فرهنگی دوره مذکور است.

در دوران سلطنت عضدالدوله فارس و عراق از امنیت و آرامشی کامل برخوردار بود و به همین روی پیشرفت و تحولات فرهنگی به اوج خود رسید.^۳ عضدالدوله شیفته فراگیری علم و ادب بود و در هر فرصتی به کسب علم اشتغال می ورزید. وی به انواع علوم وارد بود و در علم نجوم تبحر داشت.^۴

وی با وجود وسعت مملکت و سرگرمی به امور کشورداری از توجه به ادب غافل نبود. مرتب کتاب مطالعه می کرد و مجالست ادیبان را برامیران ترجیح می داد و همواره شعر می گفت.^۵

۱- ماهیگیران، تاجدار، ص ۲۷۹

۲- همان، ص ۲۸۱

۳- همان

۴- شاهنشاهی، عضدالدوله، ص ۲۶

۵- همان به نقل یتیمه الدهر، ج ۲، ص ۲

عضد الدوله از علماء عربیت بود، اطلاع وسیع عضد الدوله از علوم عربیت و نحو موجب شده است که جزء علمای عربیت محسوب شود از جمله سیوطی وی را در عداد علماء نحو قرار داده است.^۱

علاقه و اشتیاق عضدالدوله به کتاب به حدی بود که گفته می شود که در سفر و چه در حضر هیچگاه کتاب الانهائی را از خود دور نمی ساخت.^۲ در اکثر مباحثات دانشمندان و فضلاء که در قصرش برگزار می شد شرکت می کرد و معمولاً جلسات دانشمندان و فضلاء را بر مجالس اشراف و امرا ترجیح می داد.^۳

توجه خاص او را به فضل و علم می توان از جمله ای که گفته می شود از او نقل شده است دریافت: «معلم و استاد من در ستاره شناسی عبدالرحمن عوفی، در زیج شرف ابن اعلم و در نحو ابوعلی فارسی بوده است». مهمترین تحولی که در زمان عضدالدوله و تحت توجهات وی در زمینه علمی پیش آمد.

کشفیات و یافته هایی در باب ستاره شناسی بود که به تحقیق، ستاره شناسی آن دوره را نمی توان از طالع بینی جدا ساخت. پیشرفت های بعدی به ترتیب در زمینه ریاضیات و علوم پزشکی بود ریاضیات و هندسه تحت توجهات عضد الدوله پربار تر شد به شکوفایی رسید. برجسته ترین چهره این علوم است.

۱- شاهنشاهی عضد الدوله، ص ۲۶، به نقل بقیة الوعاة طبقات اللغویین و الفحاة، ج ۲، ص ۲۴.

۲- همان، به نقل از ارشاد، ج ۵، ص ۸

۳- همان، به نقل از منتظم ابن جوزی، ج ۷، ص ۱۱۵

نقش عضد الدوله در گسترش و پیشرفت علوم پزشکی فراتر از سایر علوم و فنون بوده است. زیرا بجز کتابهایی که در پزشکی توسط پزشکان عضد الدوله به رشته تحریر در آمد، در جوار بیمارستانی که به دستور وی بنا گردید دانشکده عظیم پزشکی نیز تاسیس شد. قلمرو ادبیات نیز تحت توجه و تشویق و حمایت عضدالدوله بود که تعداد عظیمی از متون و کتاب به رشته تحریر در آمد که هنوز هم بسیاری از این متون جزو متون کهن دانشجویان رشته ادبیات است.

در دوره سوم حکومت آل بویه، یعنی در دوره بعد عضد الدوله، روح فرهنگی و علمی حاکم بر جامعه خصوصا در بغداد که از سالهای پیش پا گرفته بود همچنان حفظ گردید در دوران حکومت صمصام الدوله یک انجمن مخفی فلسفه بنام (اخوان الصفا) تاسیس گردید. این انجمن اقدام به تالیفات متعددی می کند که از جمله آنها یکسری رساله در باب فلسفه، ریاضیات، منطق، متافیزیک، عرفان، طالع بینی و جادوگری است^۲ ابن سعدان وزیر صمصام الدوله خود از مردان فضل پرور و دانش دوست بود و در همان سال ۳۷۳ هجری قمری درباره هدفها و برنامه های این انجمن با ابوحنین توحیدی یکی از نویسندگان بزرگ بغداد، بحث مفصل داشته است.^۳

شرف الدوله به لحاظ توجه و حمایتی که از فضلا و علما می کرد به راستی در این زمینه فرزند خلف پدر بود. زمانی که در فارس سکونت داشت، اقدام به تاسیس

۱- ماهیگیران، تاجدار، به نقل از ابوشجاع، ص ۲۸۴

۲- همان، ص ۲۹۷

۳- همان، به نقل قفطی، ص ۸۲ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج (۱)، ص ۲۶۰

کتابخانه ای در شیراز کرد و حفاظت از کتابخانه و ارائه خدمات را بر عهده قاضی فزاری گذاشت.^۱ شاهان آخر حکومت آل بویه با اینکه به علت ضعف قدرت و مضیقه شدید مالی، فرصت توجه آنچنانی به نشر علوم و امور فرهنگی را نداشتند اما همچنان روحیه علم دوستی و دانش اندوزی در آنها حفظ شده بود. بطوری که در سالهای پایانی حکومت بویه، دو رساله علمی بزرگ تدوین گردید که یکی درباره شیمی و دیگری در باب ریاضیات بود. اولی با عنوان عین الصنعه عون الصنعه و دومی با عنوان کتاب الحاوی للعمل السلطانیه و رسوم رحاب الادیانیه می باشد.^۲

احترام گذاشتن به علما، اخلاق حکام و وزرای آل بویه:

امیران حکومت بویه، با ارباب فضل و ادب و شاعران و دانشمندان دمساز بودند و درباره ایشان کمال احترام و ببال و بخشش را مبذول می داشتند. این احترام گذاشتن باعث تشویق هر چه بیشتر اهل علم می شد و در سایه توجهات امیران بویه ای دست به تالیفات ارزشمند و مهم می زدند. امرای آل بویه از راههای گوناگون بزرگان علم و حکمت را به کار علم و تالیف تشویق می کردند و برای تالیفات آنان صلوات گرانبها می دادند و یا وسائل کار و زندگی مرفه را برای آنان در دستگاه خود فراهم می کردند. نتیجه این تشویق و ترغیب آن بود که علما با قدرت قلب به کار علم توجه کنند و به ترجمه تالیف کتب مشغول شوند و بازار علم رونق و دوام و رواج داشته باشد. عضد الدوله دانشمندان را به بهترین وجه گرمی می داشت و نیکوترین پاداش را به آنان می

۱- ماهیگیران، تاجدار، ص ۲۹۸، به نقل از شیراز نامه، ص ۳۵

۲- همان، ص ۳۰۶

داد. به این لحاظ نخبگان علمای زمان در هر رشته نزد او جمع می شدند و کتابهایی درباره علوم گوناگون بخاطر او و به نام وی تالیف می کردند. از جمله کتب «الحجۀ فی القرائات السبع» که کتابی است در جلالت قدر و شهرت، بی نظیر. دیگر کتاب «الایفاح» در علم نحو که با کمی حجم از حیث عبارتهای استوار و حسن تالیف بر کتابهای پر حجمی که در علم نحو تالیف شده برتری دارد و همچنین کتاب «کفاش عضدی» در علم طب که به وضوح عبارت و خوبی ترتیب ممتاز است و کتابهای دیگری در مقوله ریاضیات و هندسه.^۱

عضد الدوله برای طبقات مختلف دانشمندان از فقیهان، مفسران، متکلمان، محدثان، علمای نهابه، شاعران، نحویان، علمای عروض، پزشکان، منجمان، حسابداران و مهندسان مقرری مخصوص قرار داده بود. بطور کلی عضد الدوله نسبت به دانشمندان هر رشته توجه مخصوصی داشت و اگر در کسی استعدادی می دید در تربیت او می کوشید و دستور می داد وسایل لازم در اختیار وی بگذارند. از جمله اینکه در یکی از مسافرتهایی که به اصفهان کرد، به جوان بسیار با استعدادی بنام «ظاهر» که خود را از فرزندان ابومسلم خراسانی می دانست برخورد. آن جوان بیش از ۱۴ سال سن نداشت ولی از هوش و ادراک و حافظه فوق العاده ای برخوردار بود. عضد الدوله چون او را جوانی زباندار و هوشیار ولایق تربیت دید. وی را با خود به بغداد برد آن جوان در مدت یک سال فقه را نزد ابی عبدالله بصری فرا گرفت. بعد از مدت کوتاهی به شش زبان

۱- شاهنشاهی، عضد الدوله، ص ۶، به نقل تجارب المام، ص ۶۸

عربی ترکی، فارسی، هندی، زنگی و رومی تکلم می کرد. آن جوان در حضور عضد الدوله با صاحب ابن عباد مناظره می نمود و صاحب را شرمنده می کرد.^۱

شرف الدوله هم بسیار دوستدار علما بود و همواره آنان را تحت حمایت خویش قرار می داد. صمصام الدوله نیز دانشمندان و شعرا را در تحت کنف حمایت خود قرار می داد از

جمله ابوسلیمان محمد بن محمد بن طاهر بن بهرام السجستانی فیلسوف و منطقی بزرگ قرن چهارم را در کنف حمایت خود قرار داده بود و هر چه وی احتیاج داشت در

اختیارش قرار می داد.^۲ فخر الملک ابوغالب وزیر دوم بهاء الدوله نیز همه کوشش خود را وقف حمایت از ادبا و هنرمندان ساخته بود. بطوریکه پیرامون او را همواره تعداد

زیادی از ادبا و نویسندگان فرا گرفته بودند البته این توجه امرای آل بویه به دانشمندان دلیل دیگری به غیر از علم دوستی امرا داشت و آن استفاده از شخصیت علما و

دانشمندان و شاعران برای کسب اعتبار بود. آنها برای کسب اعتبار و مشروعیت فرهنگ و علم را به منزله زینت و جلوه قدرت ارج می نهادند و متفکرین پر فروغ را همچون

گوهرهایی بر تارک تاج خویش می نشانند. شهرت و عظمت مسلماً بدون وجود شاعرانی که مدح آنان را بگویند و ندیمانی که تملق گویی آنان باشند و منجمانی که

مشاور آنها باشند و طبیبانی که از آنها مراقبت کنند و دانشورانی که به آنها تعلیم دهند پایه و اساس نداشت. سخاوت نوعی سرمایه گذاری پرفایده بود.^۳

۱- شاهنشاهی، عضد الدوله، ص ۱۶۱، به نقل از محاسن اصفهان، ص ۲۵

۲- ذبیح الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، ج (۱) ص ۱۹۵

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج (۱)، ص ۶۴۵، ۶۴۴

وزیران آل بویه در مقام گردآورندگان دانشوران و شاعران، از امیران دست کمی نداشتند. در واقع دربارهای مجلل و با شکوه آنان غالباً کاخهای اربابانشان را تحت الشعاع قرار می داد. وزیر مغزالدوله ابومحمد مهلبی-خردمند و با فرهنگ بود. گروهی از دانشوران و شاعران بر جسته را در کنار خویش گرد می آورد. در منزل ابن سعدان- وزیر صمصام الدوله- نیز دانشمندان بزرگی چون ابن زرعه، ابوعلی مسکویه، ابوالوفاء بوزجانی و ابوحنیف توحیدی گرد می آمدند و به مباحث علمی مشغول می شدند. فخرالملک ابوغالب وزیر دوم بهاء الدوله توجه خاصی به علما و دانشمندان داشت و همواره با آنان حشر و نشر داشت و تمام سعی خود را در جهت حمایت از آنان بکار می برد.

برگزاری جلسات مناظره و مباحثه:

امیران و وزیران بویه ای به جلسات بحث و مناظره ای که توسط دانشمندان علوم مختلف مطرح می شدند علاقه وافری داشتند و همواره در دربارهای خود با گردآوردن علما و اهل فضل و ادب و هنر و شعر، چنین جلساتی را تشکیل می دادند. حتی عزالدوله که دائماً سرگرم لهو و لعب بود از تشکیل مجالس بحث غافل نمی شد. علما مختلف را گرد می آورد تا در حضور او به بحث در موضوعهای علمی مختلف بپردازند. خود نیز در بحث داخل می شد و احضار نظر می کرد. بختیار فرزند و جانشین

معزالدوله، اگر چه سلطانی ضعیف بود ولیکن به شعر و شاعری و جلسات مشاعره علاقه خاصی نشان می داد و در تیمه اثر ثعالبی نمونه هایی از تصنیفات و نوشته های وی آمده است که به عنوان بهترین اثرها و نوشته های خاندان بویه ضبط شده است.^۱

در منزل ابن سعدان وزیر صمصام الدوله که مرکز تشکیل مباحثات علمی بود، دانشمندان بزرگی همچون ابن زرعه، ابوعلی مسکویه، ابوالوفاء بوزجانی و ابوحیان توحیدی گرد می آمدند و جلسات مباحثه تشکیل می دادند.^۲

معزالدوله مجالست با شعرا را بر همنشینی بر امرا ترجیح می داد. مقدسی در احسن التقاسیم آورده است. «آل بویه در شبهای آدینه در ماه رمضان مجلس مناظره می

سازند. شاه این جلسه ها را با پرسشی می گشاید سپس دیگران بر سخن می آیند.^۳ عضد الدوله در منزل خود خانه ای در جنب مجلس خاص خویش مخصوص به حکما و

فلاسفه قرار داده بود که دور از غوغای عوام الناس بنشینند و به بحث و تحقیق مشغول شوند.^۴ برای تشکیل مجالس مناظره دربارهای ایران محیط مناسبی بود. سلطان و

ملازمانش بی تردید از مشاهده مجادله لفظی لغویان و شاعران و نحویان و متکلمان و فیلسوفان به وجد می آمدند. قطع نظر از مساجد و منازل شخصی، مباحث علمی در

دکانها و میدانهای شهر و باغ ها نیز انجام می گرفت. گزارشهای مختلفی وجود دارد که از تشکیل جلسات که در دید باغها نیز انجام می گرفت خبر می دهند. گزارهای

۱- ماهیگیران، تاجدار، ص ۲۸۱

۲- دائرالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۵، ۶۴۴ به نقل از ابوحیان، ج (۱)، ص ۱۰۸

۳- احسن التقاسیم فی معرفه العقالیم، ج (۱)، ص ۴۹۵

۴- شاهنشاهی عضد الدوله، ص ۲۶

مختلفی وجود دارد که از تشکیل جلسات که در زیر باغها نیز انجام می گرفت خبر می دهند گزارشهای مختلفی وجود دارد که از تشکیل جلسات در زیر «طاق» یا آستانه «باب» خبر می دهد از بازارها نیز استفاده می کردند. محض نمونه غالباً از سوق یحیی بن خالد در بغداد نام برده می شود حتی از گرمابه ها به عنوان مراکز مباحثات استفاده می کردند البته به استثنای بحث در موضوعات دینی.^۱

تاسیس مراکز علمی و کتابخانه:

حکام و وزیر آل بویه به سبب توجهی که به نشر علم و دانش داشتند تاسیس مراکز علمی و آموزشی را در راس مهمترین امور خود قرار داده بودند. نخستین مرکز تعلیم مسلمانان مساجد بودند. مسجد از آغاز دوره هجرت مرکز تجمع مسلمین و اخذ تصمیمات سیاسی و تعلیمات دینی بود و سنتی که از اهل پیامبر و خلفای راشدین ایجاد شد، بعد از آن دیدگاهی در میان مسلمانان باقی ماند در این دوره اسلامی هم این سنت از قرن دوم و سوم به بعد معمول بود و در بسیاری از مساجد که در حیطه فرمانروایی آل بویه ایجاد شد، حوزه های تدریس دایر بود.^۲ هر یک از استادان در این مساجد حلقه هایی تشکیل می دادند و در آن به تعلیم علوم از قبیل حدیث و قرائت قرآن و علوم ادبی و فقه مبادرت می شد و این رسم همه مساجد بود که در آنها حلقه هایی برای تعلیم و املاء احادیث و علوم از طرف دانشمندان و ائمه مشهور تشکیل می

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۳۰۵

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج (۱) ص ۲۶۳

شد. اما غیر از مساجد که مرکز اصلی تعلیم مسلمین بود، در عصر آل بویه و حکومت‌های قبل آن نیز، کتابخانه و مراکز علمی دیگر از قبیل دارالعلم‌های بسیار تاسیس گردید که اهل علم و ادب از آنها بسیار استفاده می‌کردند.

عضد الدوله کتابخانه بزرگی در شیراز بنا کرد^۱ تا مرکز مطالعه و تحقیق اهل فضل باشد. مقدسی در احسن التقاسیم آورده است.^۲ در ساختمان بزرگ عضد الدوله در شیراز محلی به کتابخانه اختصاص دارد که چند نفر از عدول مردم شیراز به عنوان وکیل، خازن و مشرف در آن به خدمت اشتغال دارند».

حبشی در بصره کتابخانه ای بنا کرد که پانزده هزار جلد کتاب داشت.^۳ مشرف الدوله زمانی که در فارس حکومت داشت اقدام به تاسیس کتابخانه ای در فارس کرد و حفاظت و ارائه خدمات را به عهده قاضی خزاری گذاشت.^۴

ابوعلی سوار یکی از کاتبان عضد الدوله نیز دو کتابخانه در بصره و رامهرمز بنا کرد و موقوفاتی را برای آنها مقرر داشت. در کتابخانه را مهرمز همواره استادی، کلام معتزلی تدریس می‌کرد و حقوق مرتب می‌گرفت.^۵ المقدسی درباره کتابخانه عضد الدوله در شیراز گفته است: «هیچ کتابی در عهد عضدالدوله در انواع علوم تالیف نشده بود مگر آنکه در آن کتابخانه جمع شده باشد و کتب مربوط به هر یک از انواع علوم در اطاقهای

۱- دائرالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۴

۲- شاهنشاهی عضد الدوله، ص ۱۵۶، به نقل از احسن التقاسیم، ص ۴۴۹

۳- احیاء فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۹۶

۴- ماهیگیران تاجدار، ص ۲۹۶

۵- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۵، ۶۴۴

معینی جمع آمده بود. این کتابخانه فهرستهایی دارد که اسامی کتب در آنها ثبت شده است.^۱ ابوالفضل بن عمید وزیر معروف آل بویه نیز کتابخانه بزرگی حاوی صدبار کتاب در علوم مختلف و انواع حکم و آداب داشت که نزد او از همه اموالش عزیز تر بود و خازن او ابوعلی بن مسکویه ادیب و مورخ و حکیم بزرگ ایران بوده است.^۲ شاگرد و جانشین ابن عمید یعنی صاحب کافی اسماعیل بن عباد هم در این امرز استاد خود پیروی کرده بود چنانکه وقتی نوح بن منصور سامانی او را به وزارت خود دعوت کرد از عذرهایی که آورده بود یکی آن بود که حمل اموالش برای او دشوار است زیرا فقط کتب علم، چهارصد بار شتر یا بیشتر است. فهرست کتب او در ده مجلد بود و این کتابخانه عظیم بعد از صاحب بن عباد هم باقی ماند. چنانکه وقتی محمود غزنوی ری را تصاحب کرد از آن خزانه تمام کتب مربوط به کلام را بیرون کشید و آتش زد و باز در حوادث مربوط به غلبه سلطان محمود بر شهر ری نوشته اند که او از کتابخانه بزرگ شهر ری تمام کتب بزرگ فلسفه و مولفان معتزله و کتب نجوم را سوخت و باز مانده کتب صدبار شتر به غزنین برد.^۳

هنگامی که ابو یوسف قزوینی معتزلی وارد بغداد می شد ده بار شتر کتاب به همراه خود داشت.^۴ پس از قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بسیاری از این کتابخانه ها باقی بود

۱- تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۶۰

۲- تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۶۰

۳- همان، ص ۲۶۲

۴- همان.

و مثلاً یاقوت حموی که اندکی پیش از حمله مغول در خراسان و ماورالنهر بوده است
در مرو دوازده کتابخانه دیده بود که در یکی

از آنها نزدیک دوازده هزار مجلد کتاب وجود داشت و این خزائن بقول یاقوت «سهله التناول» بود چنانکه خانه یاقوت هیچگاه از دویست مجلد یا بیشتر از کتب آنها خالی نبود بدون آنکه گرو بدهد و حال آنکه قیمت آنها به دویست دینار می رسید.^۱

این چند کتابخانه که نام برده شد، قسمتی از آنهاست که نامشان در کتب تاریخی آمده است و حال آنکه در این دوره که مزین بوده است به وجود دانشمندان بی شمار و امرای دوست دار علم و رجال ثروتمندان دانش دوست، کتابخانه های عمومی و خصوصی بسیار زیاد بوده است و وقف مساجد، مدارس و جوامع شده است.^۲ تاسیس دارالعلم نیز بعنوان مراکز مهم علمی - فرهنگی، مورد توجه آل بویه بوده است و در

طول این دوره دارالعلم های فراوانی توسط امرا و وزرای آل بویه تاسیس شد. گفته اند یکی از وزرای آل بویه به نام ابونصر در سال ۳۸۳ هجری قمری نخستین دارالعلم را در محل شیعه نشین کرخ تاسیس کرد و کتابهای زیادی برای دارالعلم تهیه کرد و آنها را وقف فقها کرده بود. نامگذاری آن به دارالعلم نیز از سوی خود وی بوده است.^۳

ابن کثیر نوشته است به گمان من این نخستین مدرسه ای بود که وقف فقها شده بود و به مدت زیادی قبل از تاسیس مدارس نظامیه بوده است.^۴ این موسس شیعی دارای کتابخانه ای نفیس با بیش از صد هزار جلد کتاب بود.^۵ این دارالعلم در سال ۴۴۸

۱- تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۶۳

۲- همان

۳- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۳۶۳

۴- تاریخ تشیع در ایران، به نقل از البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۳۳

۵- احیاء فرهنگی در عهد آل بویه، ۹۶

هجری قمری هنگام غلبه طغرل سلجوقی به بغداد دچار ذهب و حرق شد.^۱ می توان گفت مهمترین اقدامی که از نظر معنوی و فرهنگی توسط بومیان صورت گرفته است تاسیس همین دارالعلم بوده است.^۲

الراضی به تقلید از ابونصر یک مرکز فرهنگی تاسیس کرد که آنرا نیز «دارالعلم» نام نهاد. در این مرکز فرهنگی محققین و مدرسین مورد حمایت قرار می گرفتند و امکانات آموزشی و تحقیقاتی به رایگان در اختیارشان قرار داشت.^۳ به عقیده من این دارالعلم ها احتمالاً همانند یک مرکز بزرگ اطلاعات و اسناد علمی عمل می کرده اند و محققین در هر موضوعی می توانستند از این مرکز استفاده کنند و محدودیتی برای استفاده آنها وجود نداشته است.

توجه به علم و علماء بخاطر کسب اعتبار و شهرت

جد فرمانروایان آل بویه، و فرمانروایان دوره نخست این حکومت، در ابتدا ماهیگیران فقیری بودند که بعدها از شغل ساده سرهنگی ترقی کردند تا زمانی که به حکومت رسیدند. اما این امر همواره اصل و نسب حکام آل بویه را زیر سؤال می برد و دولتمردان آل بویه نیز برای اینکه بتوانند اصل و نسب اصلی خود را از یادها دور کنند و اعتبار و مشروعیت کسب نمایند فرهنگ و علم را به منزله زینت و جلوه قدرت ارج

۱- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ج (۱)، ص ۱۵۳

۲- ماهیگیران تاجدار، ص ۳۰۰

۳- همان، ص ۳۰۲

نهادند و متفکران پرفروغ را همچون گوهرهایی بر تارک خویش می نهادند.^۱ شهرت و عظمت نیز مسلماً بدون وجود شاعرانی که مدح آنان را بگویند و ندیمانی که تملق آنان را بگویند و منجمانی که مشاور آنان باشند و طبیبانی که از آنها مراقبت نمایند و دانش و رانی که به آنها تعلیم دهند پایه و اساس نداشت. سخاوت در برابر علما نوعی سرمایه گذاری پرفایده بود.^۲

۱- احیاء فرهنگی ... ص ۹۵

۲- همان

لیاقت علمی مهم تر از نسب برای اخذ مناصب دولتی:

در عصر آل بویه کفایت و لیاقت افراد برای پست های مملکتی بر حسب درجات علمی سنجیده می شد نه نسب خانوادگی و این امر باعث نوعی رقابت علمی در بین کسانی می شد که تمایل داشتند در کارهای دیوانی مشغول به کار شوند. کاتبان از همان ابتدا مقام و منزلت رفیعی داشتند و توانستند به مقام بالای وزارت نیز چشم بدوزند. وزیر مشهور «ابوالفضل بن عمید» و «صاحب بن عباد» به سعی و کوشش فردی و توفیق شخصی تا بالاترین مقام ترقی کردند.

رواج کتب در دوره آل بویه:

یکی از عوامل پیشرفت علمی این دوره را باید رواج کتاب و گسترش بازار وراقان و یا کتابفروشان در سرزمینهای اسلامی دانست.^۱ از خوشبختی های علمای این عصر رواج کتب و وجود مقدار زیادی از آنها در بازارهای وراقان (کتابفروشان) هر شهر بود. بعضی از بازارهای وراقان مثل بازار بغداد علاوه بر آنکه مرکز تمرکز علوم و کتب بسیار از انواع مختلف بود محلی هم برای اجتماع علما و حکما و بحث و تبادل نظر آنها بوده است و از آن جمله اجتماعی است از ابوسلیمان منطقی سجستانی و فلاسفه معروف بغداد که در بازار وراقان نزدیک دروازه بصره تشکیل می دادند و اشخاص شهر ری مانند ابوزکریای حمیدی و ابوالفتح نوشجانی و ابوبکر قومسی و یحیی بن عدی و ... در آن

اجتماع می نمودند و بحث و نظر می پرداختند.^۱ و فور کتاب در بازارهای کتابفروشان و فراوانی کاغذ در این دوره، کار محققین و دانشمندان را جهت تحقیق در موضوعات مختلف و تالیف کتب آسان می نمود و بدون شک این عامل در تحول علمی این دوره نقش زیادی داشته است. البته باز به نوبی این مسئله را نیز می توان به علم دوستی حکام و بزرگان آل بویه نسبت داد. چرا که توجه آنان به بازار وراقان و رواج کتاب ناشی از علم دوستی آنها بود. تالیف بسیاری از کتب مهم بر اثر همین عامل صورت گرفت. تالیف شفا اثر مشهور ابوعلی سینا در همین روزگار انجام شد «کامل الصناعه» مجوسی که یکی از آثار معروف پزشکی است نیز از آثار این دوره است. همچنین «الماغانی» دائره المعارف گرانبهای ادب عرب از ابوالفرج اصفهانی، الفهرست ابن ندیم منبع معتبر کتابشناسی چهار سده نخست اسلام از نگاشته های همین عصر است.

جهان وطنی شهرهای بزرگ در عصر آل بویه:

جهان وطنی متداول در قرنهای سوم و چهارم خصوصا عصر آل بویه با شکوفایی علمی و فرهنگی همراه بود. زیرا شهرهای اسلامی این دوره خصوصا بغداد، میعادگاه مردمانی از گوشه و کنار جهان و برخاسته از محیط های دینی و قومی مختلف بود^۲ و این سبب تبادل فرهنگهای مختلف و مراود های علمی علمای نقاط مختلف دنیا در این دوره بود

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج (۱)، ص ۲۶۰

۲- احیاء فرهنگی، ص ۲۱

و قاعد تا تبادل فرهنگی قطع نظر از مثبت یا منفی بودن آن باعث رشد و ترقی حرکت‌های فرهنگی و علمی در این دوره بوده است.

تسامح و تساهل در عصر آل بویه:

به جرات می توان گفت یکی از مهمترین دلایل تحول علمی و فرهنگی این عصر تسامح و تساهل موجود در جامعه آن زمان بود. تسامح و تساهل همواره در طول تاریخ اسلامی جزء عواملی بوده که یک حکومت را در نظر مردم، مردی یا غیر مردی جلوه می داده است. تسامح و تساهل زیر بنای جامعه مدینه النبی بوده است و حکام شیعه

آل بویه نیز آنرا محور کار خود قرار داده بودند. خصوصاً در دوره عضدالدوله شاهد یک جامعه کاملاً ایده آل از لحاظ ابراز عقاید مختلف هستیم.

عضدالدوله آنچنان به این امر توجه داشت که برای هرگونه ابراز عقیده بین مسلمانان و ذمیان فرق نمی گذاشت. چنانکه در صدقه و بخشش بین آنها تفاوتی قائل نمی شد او به نصر بن هارون وزیر، اجازه داد که کلیساها و کنشت ها را تعمیر کنند و به غیر مسلمانان فقیر رسیدگی کنند.^۱

نتیجه گیری:

با توجه به آنچه گذشت، می توان گفت، دلائل چندی که به تحول علمی این دوره آورده شد همه به نوعی به علم دوستی و علاقه امرا و وزرای آل بویه بر می گردد. به عبارت دیگر می توان گفت، مهمترین تحول این دوره توجه بزرگان آل بویه، به مقوله علم و دانش بوده است.

«فهرست منابع»

- ۱- ابن حوقل، صورة الارض، دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴
- ۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، ۱۳۷۴
- ۳- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، جلد ۱، نشر انصاریان، ۱۳۵۷
- ۴- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، ج (۱) و (۳)، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲
- ۵- صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، جلد (۱) - تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶
- ۶- فقیهی، علی اصغر، شاهنشاهی عضدالدوله، مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا، بی جا
- ۷- قربانی، زین الدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۴
- ۸- کبیر، مفیدالله، ماهیگیران تاجدار، مهدی افشار، ۱۳۶۲
- ۹- کومه- جوئل ل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۵۷
- ۱۰- متز، آرام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، جلد (۱)، تهران-امیرکبیر، ۱۳۶۲
- ۱۱- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، علینقی منزوی، جلد (۱)، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱

تحولات علمی - فرهنگی ایران

در عصر آل بویه

تالیف : فیروز - شاه محمدی

مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

پاییز و زمستان ۱۳۸۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	پیشگفتار
	۱: طراحی مبانی تحقیق
۵	۱-۱: طرح مسئله
۶	۱-۲: طرح سئوالات
۶	۱-۳: فرضیه
	۲: فصول زمینه ای
۷	۲-۱: سابقه تاریخی حکومت آل بویه
	بخش اول: نگرشی بر تحول علمی، فرهنگی و وضعیت
۱۰	علوم مختلف در عصر آل بویه

۱۱	۳: عصر آل بویه، عصر پیشرفت علمی
۱۵	۴: رشد و تحول علمی در زمینه های مختلف علوم
۱۶	۵: وضعیت علوم مختلف در عصر آل بویه
۱۶	۵-۱: علوم شرعی
۱۶	۵-۱-۱: قرائت قرآن
۱۶	۵-۱-۲: تفسیر قرآن
۱۸	۵-۱-۲-۱: مفسران بزرگ قرآن در عصر آل بویه
۱۸	۵-۱-۳: علم حدیث
۲۰	۵-۱-۳-۱: بزرگترین محدثین عصر آل بویه
۲۰	۵-۱-۴: علم فقه
۲۰	۵-۱-۴-۱: بزرگان علم فقه
۲۲	۵-۱-۵: علم کلام
۲۲	۵-۱-۵-۱: متکلمین بزرگ عصر آل بویه
۲۳	۵-۲: علوم عقلی
۲۴	۵-۲-۱: علم ترجمه
۲۵	۵-۲-۱-۱: مترجمان بزرگ عصر آل بویه
۲۶	۵-۳: علوم حکمی
۲۸	۵-۳-۱: حکما بزرگ ایران در عصر آل بویه
۳۰	۵-۴: علوم ریاضی در عصر آل بویه

- ۳۱ ۵-۴-۱: ریاضی دانان مشهور آل بویه
- ۳۵ ۵-۵: علم طب
- ۳۵ ۵-۵-۱: بزرگان علم طب در عصر آل بویه
- ۳۷ ۵-۶: جغرافیا
- ۳۸ ۵-۷: ادبیات
- ۴۰ ۵-۷-۱: بزرگان ادب فارسی در عصر آل بویه
- بخش دوم: بررسی دلایل تحول علمی و فرهنگی در عصر آل بویه
- ۱: توجه بزرگان آل بویه به دنیای علوم
- ۴۲ ۱-۱: علم دوستی حکام و وزرای آل بویه
- ۴۷ ۱-۲: احترام گذاشتن به علماء اخلاق حکام و وزرای آل بویه
- ۵۱ ۱-۳: برگزاری جلسات مناظره و مباحثه
- ۵۳ ۱-۴: تاسیس مراکز علمی و کتابخانه ها
- ۵۹ ۲: توجه به علم و علما به خاطر کسب اعتبار و شهرت
- ۶۰ ۳: لیاقت علمی مهمتر از نسب برای اخذ مناصب دولتی
- ۶۰ ۴: رواج کتب در دوره آل بویه
- ۶۲ ۵: جهان وطنی شهرهای بزرگ در عصر آل بویه
- ۶۲ ۶: تساهل و تسامح دولت آل بویه
- ۶۳ ۷: نتیجه گیری
- ۶۵ ۸: فهرست منابع و مأخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ